

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۲۴	فاصله‌ها
۲۵	چرخ صنعت را بچرخانیم
۲۶	توسعه باید متوازن باشد
۲۷	نظام بازار، کلید رشد
۲۸	چشم‌انداز دور از چشم!
۲۸	تورم و بیکاری در صدر
۲۹	کاشت، داشت و برداشت
۳۰	چشم‌انداز نه چندان روشن انرژی



چالش‌های اقتصادی کشور

پازلی با قطعه‌های سرگردان

دهد. البته به جا است یادآور شویم که در سال‌های اخیر، توجهات فراوانی نسبت به بخش خصوصی، فضای رقابتی، بازار آزاد، بازار کار و کارآفرینی شده است، اما با تمام این اوصاف، اگر خواهان دستیابی به اهداف چشم‌انداز - همانند دستیابی به قطب اول اقتصادی منطقه در افق ۱۴۰۴ - هستیم، بخش خصوصی نیازمند توجهات به مراتب بیشتری است. از بین بردن انحصارات دولتی، اجرای واقعی اصل ۴۴، توجه به نیازهای بخش خصوصی استوار بر بسترهای مناسب و زیرساختی اقتصادی، برنامه‌ریزی مدون و سیاست‌های حمایتی از کارآفرینان کشور در جهت تنوع بخشی به صادرات، همگی از مواردی است که امیدواریم در سال‌های آتی، به کمک آنها بتوان تلاش‌های بیشتری را برای احیای بخش خصوصی صورت داد.

کنترل تورم

از مهمترین معضلاتی که در حال حاضر، بخش‌های اقتصادی و البته خانوار ایرانی با آن روبرو هستند، مسأله تورم و عدم ثبات قیمت‌ها در کشور است. در این راستا و بر اساس آخرین پیش‌بینی هیأت چشم‌انداز ماهنامه «اقتصاد ایران»، نرخ تورم کشور معادل ۲۲/۸۳ درصد برآورده شده است که نسبت به آخرین برآورد هیأت مذکور در فروردین ماه ۸۸ معادل ۳/۱ واحد درصد کاهش داشته است. کاهش قدرت خرید مردم، افزایش مصرف و مصرف‌گرایی همراه با کاهش پس‌انداز، تنزل سرمایه‌گذاری و رشد واردات (در مقطع رکود و ادامه تعدیل ارزش ارز) همگی از مشکلات اقتصادی هستند که زنجیروار به دنبال افزایش تورم پدید می‌آیند. در این میان، به وجود آمدن

با وجود زحمات و تلاش‌های صورت گرفته، اقتصاد کشور کماکان از مشکلات و معضلات پایداری رنج می‌برد که در واقع، حلقه‌های مفقوده اقتصاد ایران در ادوار مختلف بوده‌اند.

کشور خواهد گذاشت. بر اساس پیش‌بینی کارشناسان ماهنامه «اقتصاد ایران»، درآمد نفتی کشور که در سال ۸۷ معادل ۱۹۷ هزار و ۲۵۲ میلیارد ریال بوده است، با کاهش ۱۹/۰۶ درصدی به رقم ۱۵۹ هزار و ۶۴۷ میلیارد ریال در پایان سال ۸۸ خواهد رسید. بر این اساس، به طور حتم با کاهش درآمد نفتی، کسری بودجه دولت - که متأسفانه سال به سال بر میزان آن افزوده می‌شود - رشد بیشتری خواهد یافت که بالتبع بر فعالیت‌های عمرانی و بدهی‌های خارجی کشور تأثیر منفی بر جای خواهد گذاشت. بر اساس تحلیل واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، نسبت بدهی‌های خارجی به کل صادرات کشور که با روندی کاهشی از ۳۳/۷ درصد در سال ۸۴ به ۲۱ درصد در سال ۸۷ رسیده بود، در سال جاری با ۳/۹ واحد درصد افزایش به رقم ۲۴/۹ درصد خواهد رسید. حمایت همه‌جانبه و منطقی از بخش خصوصی فعال، روان‌سازی فضای کسب‌وکار و تسهیل قوانین ورود سرمایه به کشور در جهت سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد که احتمالاً در نهایت منجر به افزایش GNP خواهد شد، راهی است که می‌تواند در جهت گریز از این مشکل مؤثر واقع شود و در عین حال، ثروت ملی را نیز افزایش

اقتصاد کشورمان همیشه در چالش بوده و از مشکلات متعدد رنج برده است. شرایط حال حاضر اقتصاد ایران، این قدرت را به ما عطا می‌کند که بتوانیم چشم‌اندازی از وضعیت آتی کشور ترسیم کنیم؛ چشم‌اندازی که نیاز به توجه جدی دارد. بحث، تحلیل، انتقاد و پیشنهاد را باید فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی و جناحی و فقط برای سربلندی کشورمان به پیش برد.

چالش‌های پیش رو

اقتصاد وابسته به نفت ایران که سال‌های سال است به دلیل عدم برنامه‌ریزی دقیق در جهت کاهش وابستگی به آن و به دلیل نوسان‌های همیشگی در قیمت‌های جهانی، همواره متضرر بوده، در رأس چالش‌های اقتصادی کشور قرار دارد. وقوع بحران ۲۰۰۸ که همچون ویروسی مرگبار بسیاری از بخش‌های اقتصادی جهان را از پا در آورد، به دلیل تأثیر شگرف و البته منفی که بر تمام بخش‌های اقتصادی کشور گذاشت، سال دشواری را برای ما به همراه آورد. یقیناً کاهش قیمت نفت و بالتبع کاهش درآمد حاصل از صادرات آن، تأثیرات زیادی - چه مستقیم و چه غیرمستقیم - بر بخش‌های اقتصادی

برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

فاصله‌ها

واقعیت‌های اقتصادی موجود کشور نشان می‌دهند که در برخی از بخش‌ها نتوانسته‌ایم به اهداف قوانین برنامه دست یابیم.



با بررسی برنامه چهارم توسعه - که تنها چند ماه تا پایان آن باقی مانده - و مقایسه آن با واقعیت اقتصادی موجود، درمی‌یابیم که از مقاصد و اهداف برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در برنامه فاصله داریم. مطابق بند الف از ماده ۵ فصل اول قانون برنامه چهارم توسعه، می‌بایست تمام دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی به گونه‌ای عمل می‌کردند که برای تحول کشور از یک اقتصاد نهاده‌محور به یک اقتصاد بهره‌محور، متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید به مقادیر ۳/۵، ۱/۰ و ۲/۵ درصد برسد. اما بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، متوسط این ارقام طی برنامه چهارم، مقادیر ۰/۶، منفی ۱/۵ و منفی ۰/۳۵ بوده است.

البته در این میان، عملکرد بخش بازرگانی کشور در صادرات غیرنفتی قابل قبول است، چراکه بر اساس ماده ۳۷ از فصل سوم قانون برنامه چهارم توسعه، صادرات غیرنفتی کشور می‌باید طی برنامه - سالانه و به طور متوسط - معادل ۱۰/۷ درصد رشد را تجربه می‌کرد که در این زمینه متوسط رشد سالانه‌ای معادل ۱۴/۷۵ درصد را شاهد بودیم. البته رشد این متغیر در سال اول اجرای برنامه معادل ۳۳ درصد بود و این رقم با روندی نزولی به ۱۲ درصد در سال ۸۷ رسید. کارشناسان واحد تحقیقات

در کشور - در صورت عدم برنامه‌ریزی برای کنترل این معضل - نرخ بیکاری از دهه ۹۰ روندی تصاعدی خواهد داشت. برای حل این معضل، حمایت از بخش خصوصی و کارآفرینان از مهمترین مواردی است که اقتصاد کشورمان به آن نیازمند است. در این راستا تغییر نام وزارت تعاون به وزارت تعاون و کارآفرینی در جهت حمایت از کارآفرینان کشور سبب گسترش تولید و اشتغال در کشور شده و راهکاری است برای رفع مشکل بیکاری در ایران.

صنعت

اگر قرار باشد صنعت ایران که همواره به دلیل وجود موانع ریز و درشت از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده است، با همین گام‌هایی که امروز بر می‌دارد، در حرکت باشد، دیر یا زود از حرکت خواهد ایستاد. عدم درک بخش خصوصی و نگاه دائمی به این بخش به عنوان رقیب در کنار هزینه‌های اولیه سرسام‌آور و عدم تعامل مناسب نظام بانکی، از دیگر دلایلی است که سبب شده تا صنعت ایران نتواند روی پاهای خود بایستد. وجود نرخ تورم و بهره بسیار بالای بازار آزاد از دیگر چالش‌های این بخش است. در این راستا ارایه وام‌های کم‌بهره به صنعتگران و حتی پروژه‌هایی که از توجیه اقتصادی قابل قبولی برخوردار هستند، از سوی نظام بانکی و علی‌الخصوص بانک صنعت و معدن از راهکارهای اولیه به حساب می‌آید. تدوین قانون حمایت از صنعت که مؤسسات مالی و بانکی را موظف به "پرداخت قانونی" به صنعتگر می‌نماید، می‌تواند فانوسی در راه تاریک و پریچ و خم صنعت کشور باشد.

کشاورزی

متأسفانه، بخش کشاورزی از بخش‌هایی است که چه در دوره رکود و چه در رونق از وضعیت خوبی برخوردار نبوده است. اتخاذ سیاست‌های نامتعارف در بخش‌های تولیدی، صادراتی، وارداتی و توزیع و فروش در کشور، همگی دست به دست هم داده‌اند تا این بخش علیرغم گزارش سازمان فائو (سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد) که در آن کشورمان را در تولید یک سوم محصولات اصلی دنیا بین ۱۰ کشور اول جهان قرار داده، همچنان در کشاورزی از وضعیت مناسبی برخوردار نباشد. حمایت همه‌جانبه از کشاورزان، تخصیص بودجه سالانه مبنی بر توسعه کشاورزی مدرن، سرمایه‌گذاری بیشتر در جهت رشد آموزش حرفه‌ای کشاورزی و پرداخت‌های بالاتر از کف قیمت بازار، راهکارهایی هستند که می‌توانند راهگشای مشکلات این بخش باشند. ■

مسایلی از جمله افزایش ساعات کار سرپرستان خانوار و در نتیجه عدم توجه به بنیان خانواده را - که از مهمترین عوامل به وجود آورنده بزهکاری، فساد و به طور کلی معضلات اجتماعی در جامعه خواهد بود - نباید از یاد برد. اما برای حل معضل تورم، انضباط پولی و مالی در طرح‌ها و پرداخت‌های عمرانی و جاری دولت از مهمترین شاخص‌ها برای دستیابی به ثبات اقتصادی است، چراکه بخش مهمی از تورم به بار آمده در کشور، حاصل عملکرد انبساطی دولت در سال‌های اخیر بوده است.

البته باید به این مسأله اذعان داشت که به دلیل حجمه شدید اتهامات بین‌المللی، اتخاذ سیاست انبساطی برای جلوگیری از توقف چرخ اقتصاد کشور اجتناب‌ناپذیر بوده است. توقف حمایت‌های بی‌دلیل از ادارات و سازمان‌های بی‌بازده دولتی که گردش نقدینگی و تقاضای پول را در جامعه افزایش داده‌اند، از دیگر قدم‌هایی است که می‌باید برای اعتدالی اقتصاد کشورمان برداشته شود. همچنین عدم نقدی کردن بدهی‌های دولتی و برداشت از نظام بانکی در جهت کنترل کسری بودجه مورد دیگری است که نیازمند توجهات بیشتری است. در این راستا، روی آوردن به بازار سرمایه در جهت تأمین مالی پروژه‌ها - آن هم از طریق فروش اوراق مشارکت و سایر اوراقی که شورای بورس و اوراق بهادار اجازه تصویب آنها را دارد - و در عین حال رشد سرمایه‌گذاری و افزایش فعالیت‌های عمرانی در کشور، راهکاری است که می‌تواند برای تثبیت سطح قیمت‌ها در جامعه مثمرتر باشد. تحریم‌های بین‌المللی هم که به دلیل مسأله رکود تورمی کشور، منجر به رشد فشار تقاضا شده است از دیگر مسایلی است که تورم داخلی را شدت بخشیده است. گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز - و البته متناسب با عزت ملی - که سبب رفع اتهامات بین‌المللی و به تبع آن توقف تحریم‌های یکجانبه علیه کشورمان می‌شود، مقوله‌ای پُراهمیت در سیاست خارجی ایران است که به یقین بر اقتصاد داخلی ما تأثیر شگرفی خواهد گذارد. بر این اساس، تشکیل کارگروهی منتخب از سیاستمداران و اقتصاددانان پُرتوان کشور در جهت بهبود روابط بین‌الملل و مدیریت ریسک‌های ایران، از اهمیت خاصی برخوردار است.

بیکاری

مسأله مهم دیگری که نیازمند توجهاتی به مراتب جدی‌تر است، توجه به بیکاری موجود در کشور است. اگرچه نرخ بیکاری در کشور - بر اساس برآورد دولت - از ۱۰/۶ درصد در سال ۸۶ به ۱۰/۴ درصد در سال ۸۷ کاهش یافت، اما با توجه به جمعیت ۷۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفری و نرخ رشد ۱/۴۳ درصدی آن